

موازنه تهدید در خاورمیانه؛ از یازده سپتامبر تا بهار عربی

علی اسمعیلی¹

چکیده

یکی از مؤلفه‌های مهم در بررسی اوضاع خاورمیانه در سال‌های 2001-2011 کنش و واکنش دو اردوگاه اتحاد ایران - سوریه و آمریکا و متحدانش است. با توجه به این رویارویی، نویسنده پرسش‌ها و فرضیه‌های ذیل را مطرح کرده است: 1- علت اصلی کنش و واکنش اتحاد ایران - سوریه و آمریکا و متحدانش در خاورمیانه در سال‌های 2001-2011 چه بوده است؟ 2- راهبردهای اتحاد ایران - سوریه و آمریکا و متحدانش در کنش و واکنش‌های خود در سال‌های 2001-2011 چه بوده است؟ بر اساس پرسش‌های فوق، فرضیه‌های ذیل مطرح می‌شود: 1- علت اصلی کنش و واکنش اتحاد ایران - سوریه و آمریکا و متحدانش در منطقه خاورمیانه در بازه زمانی 2001-2011 برداشت تهدید بوده است. 2- راهبرد اتحاد ایران - سوریه در مقابل آمریکا و متحدانش در سال‌های 2001-2011 خاورمیانه به ترتیب: دنباله روی و موازنه و راهبرد آمریکا و متحدانش در مقابل اتحاد ایران / سوریه موازنه بوده است. روش تحقیق نوشتار، توصیفی و بر مبنای روش کیفی و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

کلیدواژه‌ها: اتحاد ایران - سوریه، آمریکا، یازده سپتامبر، خاورمیانه، موازنه تهدید.

1. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. نویسنده مسئول
aliesmaeili@iaubshehr.ac.ir

تاریخ دریافت: 1398/09/09 تاریخ پذیرش: 1399/10/24

The Balance of Threat in the Middle East from 9/11 to the Arab Spring

Ali Esmaili¹

Assistant professor, Department of
Political Science, Bushehr Branch,
Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

Abstract

One of the most important features in the Middle East review (2001-2011), is the reaction and interaction among the Iran-Syria alliance and the United States and its allies. According to this confrontation, the following questions and hypotheses have been raised by the author: 1- What had been the major cause of the reaction and interaction of Iran-Syria alliance and the US and its allies in the Middle East since 2001 to 2011? 2- What are the strategies of Iran-Syria alliance, and the US and its allies in their actions and interactions during 2001-2011? Based on the above questions, the following hypotheses are suggested: 1- The main reason of the reaction and interaction between Iran-Syria alliance and the US and its allies in the Middle East region during 2001-2011 was the perception of threat. 2- Iran-Syrian Alliance Strategy vis-à-vis the US and its allies during 2001-2011 in the Middle East, were respectively band wagoning and balancing, and strategy of the US and its allies vis-à-vis Iran-Syria alliance was balancing strategy. The research methodology in this study is descriptive based on the qualitative method and for data collection the method has been library and internet.

Keywords: Iran-Syria alliance, US, 9/11, Middle East, Balance of threat.

¹. Corresponding Author: aliesmaeili@iaubshehr.ac.ir

مقدمه

با وقوع حوادث تروریستی یازده سپتامبر 2001 در ایالات متحده، انقلابی در سیاست خاورمیانه‌ای دولت امریکا رخ داد و مبارزه با تروریسم، دولت‌های یاغی و تسلیحات کشتار جمعی در صدر سیاست‌های خاورمیانه‌ای امریکا قرار گرفت. از دید ایالات متحده راه مقابله با خطرات فوق حمله پیشگیرانه بود. رئوس انقلاب فوق در سخنرانی ژانویه 2002 جرج دبلیو بوش رئیس‌جمهور امریکا با اشاره مستقیم به نام ایران و گنجانندش در محور اهریمنی و با اشاره غیرمستقیم به سوریه به عنوان دولت حامی [گروه‌های تروریستی] حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی وارد مرحله تازه‌ای شد و از آن به بعد کنش و واکنش‌های زنجیره‌ای و اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای مقابله جویی از سوی ایران / سوریه حزب‌الله از یک سو و امریکا و متحدانش از سوی دیگر در مقابل هم در خاورمیانه شکل گرفت، و منطقه را وارد چرخه‌ای از خشونت و منازعه کرد، که پیامد آن دو جنگ نیابتی بین دو اردوگاه و تشدید فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی امریکا برای فروپاشی اتحاد ایران - سوریه پس از یازده سپتامبر تا آغاز بهار عربی در سال 2011 بود. با شروع تحولات موسوم به بهار عربی تا زمان حاضر که در آغاز دهه سوم قرن جدید به سر می‌بریم رویارویی و کشمکش دو اردوگاه، که قبلاً بعد منطقه‌ای داشت با آغاز بحران سوریه و جنگ یمن ابعاد فرا منطقه‌ای به خود گرفته که این ستیز و منازعه به شکل گسترده‌ای همچنان ادامه دارد.

پرسش نخست پژوهش حاضر این است: علت اصلی کنش و واکنش اتحاد ایران - سوریه و امریکا و متحدانش در خاورمیانه در سال‌های 2001-2011 چه بوده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که علت اصلی کنش و واکنش اتحاد ایران - سوریه و امریکا و متحدانش در بازه زمانی 2001-2011 برداشت تهدید متقابل بوده است. در پاسخ به پرسش دوم که راهبردهای اتحاد ایران - سوریه و امریکا و متحدانش در کنش و واکنش‌های خود در سال‌های 2001-2011 چه بوده است؟ این فرضیه مطرح می‌شود که راهبرد اتحاد ایران - سوریه در مقابل امریکا و متحدانش در خاورمیانه به ترتیب: دنباله روی و موازنه و راهبرد امریکا و متحدانش در مقابل اتحاد ایران - سوریه موازنه بوده است.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی بر مبنای روش کیفی و روش گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد، چارچوب نظری این پژوهش نیز برگرفته از نظریه «موازنه تهدید» استفان والت از نظریه پردازان واقع‌گرایی تدافعی می‌باشد.

ادبیات تحقیق

در مورد کنش‌ها و راهبردهای دو اردوگاه اتحاد ایران - سوریه و امریکا و متحدانش در سال‌های 2011-2001 آثار متعددی به زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است. در میان آثار منتشرشده به زبان فارسی می‌توان به مقاله «برآورد مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه، هم‌گرایی بیش‌تر یا گسست» اشاره کرد. نویسندگان در این پژوهش بدون ارائه چارچوب نظری مشخص در صدد هستند به بررسی اقدامات ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن پس از یازده سپتامبر 2001 تا سال 2011 برای فروپاشی محور مقاومت ایران - سوریه - حزب‌الله - حماس از یک‌سو و ناکامی‌های ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن پردازند. (Izadi, & Akbari, 2010, p.27-59)

همچنین در زمینه موضوع فوق آثار منتشر شده به زبان انگلیسی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته نخست؛ علت کنش و واکنش دو اردوگاه اتحاد ایران - سوریه و امریکا و متحدانش را واکنش‌های اتحاد ایران/سوریه به کنش‌های ائتلاف ایالات متحده و متحدان منطقه‌ایش در دهه 2000 را به سیاست‌های تهاجمی امریکا پس از یازده سپتامبر 2001 به ویژه پس از حمله این کشور به عراق مربوط می‌دانند و راهبرد اتحاد ایران - سوریه و امریکا و متحدانش به ترتیب تدافعی و تهاجمی می‌دانند همانند؛ (Goodarzi, 2013, pp.39-48). دسته دوم؛ بدون اشاره به کنش تهاجمی غرب در مقابل اتحاد ایران و سوریه صرفاً به واکنش امریکا و متحدانش به کنش‌های تهاجمی ایران و سوریه و همچنین به بررسی راهبرد یک‌طرف یا طرفین می‌پردازند همانند؛ (Gelbart, 2010, pp.39-41; Trombetta, 2007, pp.313-318). با بررسی آثار فوق در هیچ‌کدام به شکل تئوریک به علت کنش و واکنش‌های دو اردوگاه متخاصم (امریکا و ایران) و چرایی و چگونگی اتخاذ راهبردهای آن‌ها در مقابل هم نپرداخته‌اند، که در این نوشتار، نویسنده سعی در برطرف کردن این نقیصه را دارد.

چارچوب نظری

در این بخش، نویسنده برای آزمون فرضیه‌های خود ابتدا موازنه تهدید و شاخص‌های آن را تعریف کرده و بر اساس تعریف فوق، برداشت تهدید دو صف‌بندی مهم منطقه‌ای در خاورمیانه (اتحاد ایران - سوریه و امریکا و متحدانش) از همدیگر تبیین نموده و با استفاده از این برداشت‌های تهدید، راهبردهای آن‌ها را در مقابل هم مورد بررسی قرار می‌دهد.

تعریف موازنه تهدید و شاخصه‌های آن

برای بررسی کنش و راهبردهای دو اتحاد ایران - سوریه و امریکا و متحدانش، به نظر می‌رسد نظریه موازنه تهدید^۱ استفان والت در مقایسه با نظریه موازنه قدرت^۲ کنث والتز، از قدرت تبیین بهتری برخوردار باشد. از دید والت، قدرت یکی از مؤلفه‌های تهدید است نه همه آن. او با این توصیف بین قدرت و تهدید تمایز قائل می‌شود. والت همچنین استدلال می‌کند تهدید و نه قدرت ثقل نگرانی امنیتی کشورها در صحنه نظام بین‌الملل است (Walt, 1987, pp.21-22). وی با آگاهی از کاستی نظریه موازنه قدرت در تحلیل مسائل روابط بین‌الملل از جمله اتحادها و اصلاح آن، نظریه خود را که به نام موازنه تهدید ارائه می‌کند. والت سطح تهدید را با توجه به عوامل زیر توصیف می‌کند:

انباشت قدرت

در شرایط مساوی بیشتر شدن منابع کلی یک کشور (یعنی جمعیت، قابلیت صنعتی و نظامی و قابلیت فن‌آوری و غیره) می‌تواند باعث بیشتر شدن یک تهدید برای دیگران شود؛ بنابراین قدرت کلی که کشورها می‌توانند در اختیار داشته باشند یک عنصر مهم تهدید است که آن‌ها برای دیگران ایجاد می‌کنند. (Walt, 1987, pp.22-23)

مجاورت جغرافیایی

کشورها همچنین در واکنش به تهدیدات ناشی از مجاورت جغرافیایی متحد می‌شوند؛ زیرا توانایی نمایش قدرت با بعد مسافت کاهش می‌یابد. کشورهایی که نزدیک هستند یک تهدید بزرگ‌تر هستند تا کشورهایی که دور واقع شده‌اند. همچون انباشت قدرت، تهدیدات مجاورت جغرافیایی می‌تواند رفتار موازنه یا دنباله‌روی ایجاد کند. هم‌مرز بودن با یک قدرت بزرگ ممکن است آن‌قدر آسیب‌پذیر باشند که بجای موازنه، کشوری دنباله‌روی انتخاب کنند به‌ویژه اگر یک همسایه قدرتمند، توانایی‌اش را برای اجبار نشان داده باشد. (Walt, 1985, pp.10-11)

قدرت تهاجمی

در شرایط مساوی، کشورهای با قابلیت تهاجمی زیاد، به احتمال زیاد در مقایسه با کشورهای که به لحاظ نظامی ضعیف یا تنها قابلیت دفاع از خود دارند، باعث یک اتحاد می‌شوند. با وجود این قابلیت تهاجمی و مجاورت جغرافیایی، به‌وضوح باهم مرتبط‌اند و کشورهای که به یکدیگر نزدیک هستند با سهولت بیشتری می‌توانند همدیگر را تهدید کنند تا آن‌هایی که در چنین شرایطی نیستند. (Walt, 1987, p. 24)

1. Balance of Threat Theory

2. Balance of Power Theory

نیات تهاجمی

سرانجام کشورهای که تهاجمی به نظر می‌رسند، احتمالاً باعث می‌شوند دیگران علیه آن‌ها موازنه شکل دهند. حتی کشورهای باقابلیت‌های نسبتاً کوچک ممکن است باعث رفتار موازنه شوند به‌ویژه اگر آن‌ها تهاجمی به نظر برسند. برداشت‌ها از نیت، احتمالاً در گزینه‌های اتحاد نقشی تعیین‌کننده ایفاء می‌کنند. (Walt, 1987, pp.25-26)

انتخاب راهبردها

والث با این پرسش که کدام‌یک از این دو رفتار (موازنه یا دنباله‌روی) می‌تواند رفتار کشورها را توصیف می‌کند؟ پاسخ می‌دهد: داده‌های تاریخی نشان داده که کشورهای مواجه با تهدید خارجی به‌طور قاطع موازنه را به دنباله‌روی ترجیح داده‌اند؛ و توضیح می‌دهد موازنه به این دلیل اولویت دارد که هیچ سیاستمداری نمی‌تواند به‌طور کامل اطمینان داشته باشد که دیگری چه کار خواهد کرد. دنباله‌روی به این دلیل خطرناک است که منابع بیشتری را در اختیار قدرت تهدیدکننده می‌گذارد و نیازمند است که بر تداوم شکیبایی آن قدرت اعتماد کرد؛ زیرا برداشت‌ها غیرقابل اطمینان هستند و نیت می‌تواند تغییر کند، منطقی است، در مقابل تهدیدات بالقوه، موازنه انجام شود تا به این امید تکیه کند که یک کشور تمایل نیک خواهانه‌اش باقی بماند. (Walt, 1987, pp.28-29) والث در اثبات فرضیه خویش مثال‌هایی از خاورمیانه ارائه می‌کند و در مطالعاتی که از این منطقه انجام داده، نتیجه می‌گیرد که بیشتر فرضیات ثابت شده نشان می‌دهد که دولت‌ها معمولاً اتحاد را به‌منظور موازنه بر ضد جدی‌ترین تهدید انتخاب می‌کنند. به عبارتی موازنه که به‌صورت متحدشدن با دیگران بر ضد تهدید غالب صورت می‌گیرد بسیار رایج‌تر است تا دنباله‌روی که شیوه‌ای است که کشوری ترجیح می‌دهد تا با منبع خطر متحد شود؛ و رفتار موازنه¹ بسیار معمول‌تر است تا رفتار دنباله‌روی²؛ (Walt, 1987, pp.11-29)

علت کنش اتحاد ایران - سوریه در مقابل امریکا و متحدانش 2001-2011

با توجه به چارچوب نظری این نوشتار و با در نظر گرفتن چهار مؤلفه موازنه تهدید: انباشت قدرت؛ مجاورت جغرافیایی؛ قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی، در این بخش درصدد بررسی مؤلفه‌های فوق به ویژه

-
1. Balancing Behavior
 2. Bandwagoning Behavior

نیات تهاجمی که بر روی برداشت تهدید اتحاد ایران - سوریه از امریکا و متحدانش در منطقه مؤثر می‌باشد، هستیم.

انباشت قدرت

با نگاهی به انباشت قدرت در ائتلاف به رهبری امریکا در خاورمیانه بر ضد اتحاد ایران - سوریه در سال‌های 2001-2011 در صد هستیم که با استفاده از داده‌های کمی قابلیت‌های کلی این ائتلاف را نشان دهیم (جداول 1 و 2). ضمن این که از میان 9 کشور ائتلاف، 5 کشور امریکا، عربستان سعودی، کویت، قطر و امارات متحد عربی دارای منابع غنی نفت و گاز می‌باشند. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2244rank>; [www.opec.org/library/Annual Statistical Bulletin / interactive /current / File Z/XL/T32.HTM](http://www.opec.org/library/Annual%20Statistical%20Bulletin/interactive/current/FileZ/XL/T32.HTM) همچنین ایالات متحده به لحاظ فن آوری در جهان سرآمد می‌باشد. (<http://eghtesadeiranonline.com/vdciyuazrt1ay52.cbct.html>)

جدول (1): قابلیت‌های صنعتی ائتلاف ضد ایرانی - سوریه در منطقه در سال 2010

ردیف	کشور	وسعت	جمعیت	GDP	رشد سرانه	تورم
1	ایالات متحده	9833517	304059724	14/5tr	3/5	1%/17
2	اسرائیل	20770	7233701	218bn	4/85	2%/70
3	اردن	89342	6269285	26/3bn	2/31	5%
4	امارات متحده عربی	83600	4798491	302bn	3/23	0%/90
5	بحرین	760	728709	22/5bn	4/09	2%
6	ترکیه	783562	76805524	733bn	8/95	8%/60
7	قطر	11586	883285	127bn	16/64	2%/40
8	کویت	17818	2692285	132bn	3/4	4%/10
9	عربستان سعودی	2149690	28686633	447bn	14/15	5%/40
10	مصر	1001450	78866635	202bn	5/15	11%/70
	جمع	13992095	511024272			

Source: The Military Balance, 2010, The Military Balance, 2012

جدول (2): قابلیت‌های نظامی ائتلاف ضد ایرانی - سوری در منطقه در سال 2010

کشور	نیروی نظامی	نیروی ذخیره نظامی	هزینه‌های دفاعی	تسلیمات هسته‌ای (کلاهک)	ناو هواپیماپر	هواپیما	هلیکوپتر	تانک	کشتی جنگی و کشتی‌های ساحلی	زیر دریایی
ایالات متحده	1580255	864574	693/6bn	5100	10	4090	5505	8325	290	71
اسرائیل	176500	565000	14/4bn	200	0	461	287	3501	74	3
اردن	100500	65000	1/42bn	0	0	102	79	1221	17	0
امارات متحده عربی	51000	0	8/65bn	0	0	184	79	471	51	0
بحرین	8200	0	747m	0	0	33	44	180	17	0
ترکیه	510600	378700	17/4bn	0	0	404	427	4460	182	14
قطر	11800	0	3/12Bn	0	0	18	37	30	22	0
کویت	15500	23700	4/65bn	0	0	58	48	483	13	0
عربستان سعودی	233500	0	45/2bn	0	0	330	234	1015	96	0
مصر	468500	479000	4/47bn	0	0	461	232	3723	179	4
جمع	3156355	2375974	793/66Bn	5300	10	6141	6972	23409	651	92

Source: The Military Balance, 2010; The Military Balance 2012

*آمار 290 کشتی جنگی در ارتش امریکا شامل کشتی‌های ساحلی و دیگر شناورهای نظامی دریایی کوچک نمی‌شود. ولی در مورد متحدان منطقه‌ای امریکا شامل همه شناورهای نظامی دریایی اعم از کشتی، کشتی‌های ساحلی و قایق‌های جنگی می‌باشد.

**در سال 2010، ایالات متحده به کشورهای ذیل کمک نظامی کرده است: اسراییل 2/78bn، مصر 1/3bn، اردن 300m، بحرین m

مجاورت جغرافیایی

از دیگر مؤلفه‌های نظریه موازنه تهدید، مجاورت جغرافیایی یا داشتن مرزهای مشترک است. علاوه بر مجاورت جغرافیایی می‌توان به واقع شدن دو کشور در یک منطقه جغرافیایی مشترک نیز اشاره کرد. ایران علاوه بر مرزهای مشترک با شش کشور ائتلاف ضد ایرانی - سوری (عربستان سعودی، کویت، امارات

متحد عربی، بحرین، قطر و ترکیه) با سه کشور دیگر این ائتلاف (مصر، اردن و فلسطین اشغالی) در منطقه مشترک خاورمیانه قرار دارد. همچنین امریکا به عنوان کشوری فرا منطقه‌ای و رهبر ائتلاف ضد ایرانی - سوری در دهه 2000 با داشتن پایگاه‌های نظامی در عربستان، کویت، امارات متحده عربی، قطر و ترکیه و فلسطین اشغالی و حضور مستقیم دریایی در خلیج فارس، تهدیدی جدی برای ایران به شمار می‌رفت. (Mohmmadpour et al., 2016, p.65)

سوریه نیز با داشتن مرزهای مشترک با سه کشور ائتلاف فوق (ترکیه، اردن و فلسطین اشغالی) با شش کشور دیگر آن ائتلاف (مصر، عربستان سعودی؛ کویت، امارات متحده عربی، بحرین و قطر) در یک منطقه جغرافیایی قرار دارد. ضمن این که امریکا به عنوان یک کشور فرا منطقه‌ای گرداگرد سوریه در کشورهای ترکیه، فلسطین اشغالی و قبرس پایگاه نظامی داشت و ناوگان ششم این کشور نیز در دریای مدیترانه حضور مستقیم داشت. (Mohmmadpour et al., 2016, p.65)



Source: <http://www.cof.edu/earthinfo/images/meast/MEpol.gif>

قدرت تهاجمی

در میان ائتلاف ضد ایرانی - سوری به رهبری امریکا، سه کشور ایالات متحده، اسرائیل و ترکیه با توجه به قدرت تهاجمی، قابلیت ایجاد تهدید علیه اتحاد ایران - سوریه در دهه 2000 داشتند، در میان اعراب متحد امریکا در حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز نباید از عربستان و تأثیر خریدهای کلان تسلیحاتی این کشور

در نیمه دوم دهه 2000 بر قدرت تهاجمی این کشور به سادگی عبور کرد که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

ایالات متحده

ایالات متحده به عنوان نیرومندترین کشور هم به لحاظ انباشت قدرت و هم به لحاظ قدرت تهاجمی بیش‌ترین دخالت نظامی در جهان پس از جنگ جهانی دوم و تهدید آفرینی علیه کشورهای ناهمسو داشته است (Yazdanfam, 2005, p.392). رویداد 11 سپتامبر و نمایش عظیم قدرت امریکا با و بدون مجوز سازمان ملل به ترتیب در حمله به افغانستان و عراق در سال‌های 2001-2003 و آرایش تهاجمی این کشور در کشورها و مناطق هم‌مرز با ایران و سوریه بعد از 2003 تهدیدی جدی برای حاکمیت و تمامیت ارضی دو کشور ایران و سوریه بوده است.

اسرائیل

رژیم اسرائیل علیرغم وسعت و منابع اندک اقتصادی، به دلیل روابط ویژه با امریکا به نیرومندترین کشور در منطقه به لحاظ قدرت نظامی چه در زمینه تسلیحات متعارف و چه در زمینه تسلیحات غیرمتعارف تبدیل شده و تنها کشور دارنده سلاح هسته‌ای در خاورمیانه می‌باشد و الگوی رفتار امنیتی‌اش بازدارندگی یک‌جانبه بر اساس دکترین حمله پیشگیرانه بوده و با داشتن هواپیماهای دور پرواز F15 و F16 قابلیت عملیات در فواصل طولانی داراست. افزون بر عوامل فوق، مجاورت جغرافیایی ایران با ترکیه (هم‌پیمان اسرائیل)، مجاورت سوریه با اسرائیل، و حملات هوایی 2003 و 2007 اسرائیل به سوریه و تهدیدات مکرر رژیم اسرائیل برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران همگی باعث شده این رژیم خطری بزرگ برای همچون ایران و سوریه محسوب شود (Riedel, 2010, p.372).

ترکیه

ترکیه به دلیل عضویت در ناتو و همراهی با امریکا پس از جنگ جهانی دوم، دارای قدرت تهاجمی بالایی در منطقه پس از اسرائیل می‌باشد. مجاورت جغرافیایی و رفتار مداخله جویانه و تهدیدآمیز ترکیه علیه همسایگان از جمله ایران و سوریه در دهه 90 به ویژه پس از انعقاد اتحاد نظامی با رژیم اسرائیل در سال 1996 و همچنین افزایش قدرت تهاجمی این کشور در اواخر دهه 2000 با میزبانی از سپردفاع موشکی تهدیدی جدی برای ایران و سوریه بوده است (Masoudnia & Najafi, 2012, p. 156).

عربستان سعودی

میان کشورهای حاشیه خلیج فارس، عربستان بزرگ‌ترین ارتش و بودجه نظامی دارد، (Military Balance, 2010, p.269). خرید گسترده انواع هواپیماهای جنگی پیشرفته از غرب به ویژه ایالات متحده در مقایسه با

توان محدود نیروی هوایی ایران به دلیل تحریم‌های گسترده تسلیحاتی بین‌المللی علیه ایران مانع نوسازی ناوگان کهنه هوایی دهه 70 میلادی این کشور شده و همین امر زمینه برتری هوایی عربستان را نسبت به ایران فراهم کرده و از این لحاظ قدرت آسیب رساندن به ایران را داراست (Cook & Roshandel, 2009, p.71).

نیات تهاجمی

نیات تهاجمی ایالات متحده بعد از 11 سپتامبر 2001

با وقوع رویداد 11 سپتامبر استراتژی امریکا در دولت جرج دبلیو بوش تغییر کرد و با برتری گفتمان تندروها (نومحافظه کاران) بر رئالیست‌ها، این افراد باور داشتند که ایالات متحده باید از قدرتش به شکل یک‌جانبه برای تغییر ساخت سیاسی کشورها و مناطقی که باور دارند برای منافع ایالات متحده و متحدانش عمدتاً اسرائیل تهدیدکننده هستند استفاده کند (Hunter, 2010, pp.56-57). به‌طور کلی می‌توان نیات تهاجمی ایالات متحده را بعد از 11 سپتامبر 2001 درباره ایران و سوریه را این‌گونه خلاصه کرد: تغییر رژیم در ایران و سوریه (Wallsh, 2013, p.113; Hunter, 2010, p.209)؛ محاصره جغرافیایی ایران و سوریه (Mohammadpour et al., 2016, p.65)؛ جلوگیری از تبدیل ایران به یک قدرت منطقه‌ای (Barzegeer, 2010, p.89)؛ ایفای نقش ضد سوری امریکا در لبنان (Hinnebusch, 2009, p.21).

نیات تهاجمی اسرائیل

نگرش توسعه طلبانه، ماهیت حکومت به‌طوری که خشونت ابزاری ضروری برای ارتش اسرائیل به شمار می‌آید؛ احساس قدرت برتر و ایجاد انگیزه استفاده از آن و حذف کامل کانون‌های تنش‌زا و بحران اجتماعی و ایجاد آرامش اجتماعی در داخل اسرائیل از طریق انجام حملات پیشگیرانه (Medizadeh & Saeezadeh, 2009, p.84)؛ تهدیدات مکرر به حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران و انجام حملات هوایی به سوریه در 2003 و 2007 (Spector & Cohen, 2008, p.15)؛ تضعیف اقتصادی ایران و سوریه (Haji Youesfi, 2004, p.637) و اخلال و کارشکنی در خریدهای نظامی ایران و سوریه (Entessar, 2004, p.543).

نیات تهاجمی اعراب عضو ائتلاف آمریکایی ضد ایرانی - سوریه در منطقه

چنین مواردی را می‌توان نام برد: پذیرش حضور نظامی گسترده امریکا در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس (Guzansky, 2010, pp.3-6)؛ خرید گسترده تسلیحات (Guzansky, 2010, p.4)؛ ایران هراسی؛ -شیعه هراسی (Haji-youesfi, 2007, p.37)؛ فعالیت ضد سوری در سوریه و لبنان (Clawson, 2012, p.5)؛ حمایت پنهان از

اسرائیل در جنگ 2006 لبنان و 2008 غزه (Barnea, 2006, p.26) و همکاری با اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران (Berger, 2009, p.29).

نیات تهاجمی ترکیه

از این موارد می‌توان نام برد: استقرار پایگاه نظامی آمریکا در اینجیرلیک ترکیه؛ تداوم اتحاد نظامی ترکیه و اسرائیل در دهه نخست قرن 21؛ تلاش برای فروپاشی اتحاد ایران - سوریه (Wehrey, 2011, pp.355-356)؛ استقرار رادارهای سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه؛ امضای پیمان راهبردی سیاسی، اقتصادی و امنیتی ترکیه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (Masoudnia & Najafi, 2012, p.153-156).

راهبرد اتحاد ایران/سوریه در مقابل آمریکا و متحدانش در منطقه 2001-2011

حمله آمریکا به افغانستان 2001 و راهبرد اتحاد ایران - سوریه: دنباله‌روی

به‌طور کلی در ماهیت دنباله‌روی ایران از آمریکا در بحران افغانستان در اکتبر 2001 می‌توان استدلال کرد که، بر اساس الگوی دنباله‌روی و موازنه همان‌طور که والت نیز استدلال می‌کند، دولت‌ها در برابر خطر جدی یک قدرت تهدیدکننده یا با منبع خطر متحد می‌شوند، و یا به سمت موازنه حرکت می‌کنند. در مورد دنباله‌روی ایران از آمریکا در افغانستان نیز، ایران در ابتدا سعی در دنباله‌روی داشت که خود متأثر از چندین عامل بود. نخست اینکه بعد از حادثه 11 سپتامبر 2001، جامعه بین‌المللی به‌صورت عمومی با آمریکا ابراز همدردی کردند و حتی شورای امنیت با قاطعیت و اجماع علیه طالبان قطعنامه تصویب نمود. دوم اینکه آمریکا با توجه به قدرت تهاجمی و همچنین عصبانیت ناشی از حملات بزرگ تروریستی 11 سپتامبر، بسیار تهدیدآمیز جلوه می‌نمود و در نتیجه ایران از طریق دنباله‌روی سعی در جلوگیری از تهدیدات احتمالی علیه خود داشت؛ اما در نهایت این سیاست با سخنرانی مهم جرج دبلیو بوش رئیس‌جمهور آمریکا در 29 ژانویه 2002 و گنجانیدن ایران در محور اهریمنی از دنباله‌روی به سمت موازنه در افغانستان چرخش کرد.

سوریه نیز به دنبال حملات 11 سپتامبر، پس از سخنان رئیس‌جمهور جرج دبلیو بوش که جهان را بین کسانی که از جنگ آمریکا با تروریسم حمایت می‌کنند و کسانی که از این جنگ حمایت نمی‌کنند، برای جلوگیری از خشم آمریکایی‌ها، در وهله نخست در جنگ با تروریسم ادعایی آمریکا همکاری می‌کرد و شروع به ارسال اطلاعاتی درباره القاعده به آمریکایی‌ها کرد. در این راستا، سوریه به مأموران آمریکایی اجازه داد که در کشورش تحقیقاتی انجام دهند و در بیش از یک مورد اطلاعاتی را به آمریکایی‌ها عرضه

کرد که باعث خنثی شدن حملاتی در آمریکا شد و جان شهروندان این کشور را نجات داد (Rouhi, 2009, p.64).

حمله آمریکا به عراق 2003 و راهبرد اتحاد ایران - سوریه: موازنه

هنگامی که چشم انداز جنگ در عراق افزایش می یافت، ایران و سوریه تلاش زیادی کردند تا از طریق گفتگو با رژیم عراق و کشورهای مخالف جنگ مانع از وقوع درگیری شوند. ایران هرچند از سرنگونی رژیم صدام حسین که دشمن دیرینه خود بود سود می برد اما به دلیل پیامدهای منفی گسترده حضور نیروهای آمریکایی در عراق پس از صدام که محاصره ایران را تکمیل می کرد نگران بود. سوریه نیز علیرغم خصومت دیرینه حزبی دوشاخه متفاوت حزب بعث حاکم بر سوریه و عراق، اما به دلیل پیوندهای گسترده قومی، زبانی و مذهبی با عراق و همچنین روابط اقتصادی گسترده ای که از سال 2000 با این کشور برقرار کرده بود، خواهان سرنگونی رژیم عراق نبود و مضافاً بر این که از گرفتار شدن در میان عراق تحت اشغال آمریکا در مرزهای شرقی و جنوبی اش از یک سو و رژیم اسرائیل در مرزهای غربی اش از سوی دیگر بیم داشت. به هر حال تلاش کشورهای مخالف جنگ از جمله ایران و سوریه به فرجام نرسید و ایالات متحده در 20 مارس 2003 به عراق حمله کرد. (Leverett, 2005, p.10)

استفان والت از نظریه پردازان رشته روابط بین الملل در مورد سیاست ایران و سوریه و همکاری شان پس از اشغال عراق به وسیله آمریکا می گوید: همکاری امنیتی بین ایران و سوریه به طور مشخصی بعد از حمله آمریکا افزایش یافت و مقامات آمریکایی هر دو کشور را متهم به کمک به شورشیان عراقی کردند. هرچند این اقدام ایران و سوریه برخلاف منافع آمریکا بود اما با توجه به این که آمریکا تمایلش را برای تغییر رژیم در دو کشور ایران و سوریه بیان کرده بود این نوع همکاری اتحاد ایران/سوریه با تعریف رایج از موازنه سازگار بود؛ و سوریه و ایران با تقویت شورش در عراق تلاش کردند ایالات متحده را زمین گیر و در نتیجه مانع فشار نظامی مستقیم آمریکا بر خودشان شوند (Walt, 2009, p.102)

جنگ 2006 لبنان و راهبرد اتحاد ایران - سوریه: موازنه

در 12 جولای 2006 حزب الله تحت عنوان عملیات وعده صادق در منطقه مرزی با حمله به یک پست نگهبانی اسرائیلی سه سرباز را کشت و دو نفر را دستگیر کرد. آهود اولمرت نخست وزیر رژیم اسرائیل حمله حزب الله را یک اقدام جنگی توصیف کرد (Haugbolle, 2006, p.24) اسرائیل نیز به تلافی حمله گسترده ای را برای نابودی حزب الله آغاز کرد و علیرغم حمایت آمریکا و برتری تسلیحاتی نتوانست

حزب‌الله را شکست دهد و پس از 33 روز مجبور شد آتش‌بس را بپذیرد. (Ghasemi & Einollahi, 2016, pp.137-138)

انگیزه حمایت ایران از حزب‌الله در جنگ 33 روزه با اسرائیل در سال 2006 را می‌توان این‌گونه بیان کرد: حمایت ایران از حزب‌الله، ایران را قادر می‌ساخت که نفوذش در شرق مدیترانه گسترش دهد و قدرت ایران را به مسئله اعراب - اسرائیل وارد کند و از حزب‌الله به‌عنوان یکی از ابزارهای بازدارندگی‌اش در مقابل هر نوع حمله اسرائیل یا آمریکا که در نیمه دوم دهه 2000 احتمالش قوت گرفته بود استفاده کند. این کارکرد آخر، کارکردی تعیین‌کننده بود. صرف‌نظر از برنامه هسته‌ایش، رهبری در ایران بر این باور بود که اسرائیل و آمریکا به دنبال راه‌هایی برای حمله یا سرنگونی رژیم در ایران هستند (Salem, 2011, p.34)

انگیزه سوریه نیز در حمایت از حزب‌الله ناشی از جایگاه این گروه در دکترین بازدارندگی سوریه و اولین خط دفاعی این کشور در مقابل اسرائیل در سه دهه بود. (Hinnebusch, 2009, p.15) سوریه به دلیل برتری قاطع تسلیحاتی اسرائیل قدرت رویارویی مستقیم با اسرائیل نداشت و از دهه 80 به بعد برای رویارویی با این رژیم در لبنان به جنگ نامتقارن روی آورد و حزب‌الله کارآمدی خود را در این نبرد ابتدا با اخراج نیروهای چندملیتی به رهبری آمریکا در سال 1984 و سپس نیروهای اسرائیلی در سال 2000 به ثبوت رسانیده بود.

جنگ 2008-2009 غزه و راهبرد اتحاد ایران/سوریه: موازنه

در جنگ 22 روزه غزه که از 27 دسامبر 2008 آغاز شد، بازیگران متعددی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم درگیر بودند. به ترتیب: رژیم اسرائیل و حماس از بازیگران مستقیم بودند. کشورها و بازیگران غیردولتی در منطقه در دو قالب دو گروه به نفع یکی از طرفین موضع‌گیری کردند. اتحاد ایران، سوریه - حزب‌الله از حماس حمایت کرد و ائتلاف ضد حماس به رهبری آمریکا شامل کشورهای مصر، عربستان، اردن، امارات متحده عربی، کویت و بحرین و حکومت خودگردان فلسطین که آشکار و نهان از اسرائیل حمایت کردند. نکته مهم در مورد متحدان آمریکا در منطقه این بود که دو کشور ترکیه و قطر علیرغم هم‌پیمانی با آمریکا از حماس حمایت کردند (Cordesman, 2009, pp.73-85)

با نگاهی دقیق به راهبرد اتحاد ایران - سوریه در جنگ غزه، با توجه به تهدید نابودی یکی از متحدانش در منطقه به‌وسیله یکی از اعضای ائتلاف به رهبری آمریکا و تأثیر مهم آن در معادلات قدرت در خاورمیانه، می‌توان به سیاست موازنه اتحاد ایران - سوریه در برابر آمریکا و متحدانش پی برد که با ناکام کردن ائتلاف

ضد ایرانی - سوری در منطقه از نابودی یکی از متحدانش که نقش نسبتاً مهمی در بازدارندگی اسرائیل داشت جلوگیری کرد.

علت کنش ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن در مقابل اتحاد ایران - سوریه 2001-2011 انباشت قدرت

انباشت قدرت یا قابلیت‌های کلی ایران و سوریه از سوی ائتلاف به رهبری امریکا در منطقه به این دلیل که می‌توانست به سهولت به قدرت تهاجمی تبدیل شود به‌عنوان تهدید تلقی می‌شد.

جدول (3): قابلیت‌های کلی اتحاد ایران - سوریه در سال 2010

ردیف	وسعت	کشور	جمعیت	GDP	رشد سرانه	تورم
1	164819 5	ایران	6642928 4	413bn	3/24	12%/40
2	185180	سوریه	2176297 8	58/3bn	3/23	4%/40
	183337 5	جمع	8819226 2	473/3bn		

Source: The Military Balance, 2010, pp.251-272

جدول (4): قابلیت‌های نظامی اتحاد ایران - سوریه در سال 2010

کشور	نیروی نظامی	نیروی ذخیره نظامی	هزینه‌های دفاعی	تسلیمات هسته‌ای (کلاهک)	ناو هواپیما	هواپیما	هلیکوپتر	تانک	کشتی جنگی و کشتی‌های ساحلی	زیردریایی
ایران	5230 00	3500 00	10/6bn	0	0	31 8	340	161 3	254	3*
سوریه	3250 00	3140 00	1/89bn	0	0	55 5	225	495 0	35	0
جمع	8480 00	6640 00	11/49bn	0	0	87 3	565	656 3	289	3

Source: The Military Balance, 2010, pp.251-272; The Military Balance 2012, pp.323-348; Wilner and Cordesman, December 1, 2011, p.75; Cordesman and Nerguizan, June 29, 2010, pp.5-49; Cordesman and Nerguizan, April 22, 2010, pp.13-35

*علاوه بر آن ایران دارای 12 زیردریایی کوچک نیز می‌باشد.

**برای محاسبه دقیق قابلیت‌های نظامی اتحاد ایران - سوریه، باید به توان نظامی قوی‌ترین بازیگر نظامی غیردولتی در خاورمیانه یعنی گروه حزب‌الله مورد حمایت ایران و سوریه نیز پرداخت که در سال 2010 ده‌ها هزار موشک کوتاه برد را در مجاورت فلسطین اشغالی آماده پرتاب دارد. (The Military Balance, 2010, pp. 259)

مجاورت جغرافیایی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تهدید، همسایگی جغرافیایی و حضور در یک منطقه جغرافیایی مشترک می‌باشد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد هشت کشور از نه کشور ائتلاف منطقه‌ای به رهبری امریکا به‌طور مستقیم با ایران و سوریه مرز مشترک دارند. علاوه بر آن، مجاورت ایران با کانون‌های انرژی و ترانزیت آن (تنگه هرمز) و همچنین همسایگی سوریه و حزب‌الله با فلسطین اشغالی، دو مسئله محوری سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه، نباید در محاسبات امریکا و متحدانش نادیده انگاشته شود.

قدرت تهاجمی

از دید ائتلاف ضد ایرانی - سوری در منطقه و با برداشت از سخنان مقامات ارشد نظامی ایران از جمله سپاه پاسداران که گفته‌اند به دلیل ضعف ایران در تسلیحات متعارف و غیرمتعارف در برابر امریکا در منطقه، تنها راه مقابله مؤثر با این کشور پس از رویداد 11 سپتامبر 2001، اتخاذ استراتژی جنگ نامتقارن می‌باشد (Wilner, 2011, p. 43; Cordesman & Nerguizian, April 22, 2010, pp.9-10) و همچنین تأکید بیشتر سوریه در دهه 2000 بر اتخاذ استراتژی جنگ نامتقارن برای مقابله با برتری قاطع تسلیحاتی متعارف و غیرمتعارف اسرائیل، (Cordesman & Nerguizian, June 29, 2010, p.50) باعث می‌شد که ائتلاف فوق توانایی‌های جنگ نامتقارن این دو کشور را تهاجمی ارزیابی کند.

نیات تهاجمی

از دید استفان والت، نیات تهاجمی یعنی برداشت یک کشور از رفتار تهاجمی کشور دیگر را می‌گویند حتی اگر آن کشور دارای رفتار تهاجمی به لحاظ انباشت قدرت و قدرت تهاجمی همپای کشور دیگر نباشد ولی برداشت کشورهای دیگر از رفتار تهاجمی آن باعث پدید آمدن برداشت تهدید دیگران از آن می‌شود (Walt, 1987, pp.25-26) برداشت تهدید امریکا و متحدان منطقه‌ایش از اتحاد ایران - سوریه دقیقاً به همین شکل است که با وجود انباشت قدرت و قدرت تهاجمی کمتر آن در مقابل ائتلاف ضد ایرانی - سوری در منطقه ولی از دید آن‌ها رفتار تهاجمی دو بازیگر عضو این اتحاد سبب پدید آمدن برداشت تهدید آن ائتلاف از رفتار تهاجمی اتحاد ایران - سوریه شده است.

نیات تهاجمی اتحاد ایران - سوریه از دید ایالات متحده

نیات تهاجمی اتحاد ایرانی/سوری چنین است: حمایت از تروریسم (Khan, 2010, pp.93-94)؛ توسعه سلاح‌های کشتار جمعی (Leverett, 2005, p. 15; Cook & Roshandel, 2009, p. 147)؛ توسعه قابلیت‌های موشکی (Monshipouri, 2004, p.569; Khan, 2010, p.95)؛ کارشکنی و مخالفت با فرایند صلح خاورمیانه (Alexander & Hoeinig, 2008, pp.208-210)؛ حمایت از شورشیان در عراق (Hunter, 2010, p.68;)؛ تضعیف دولت غرب‌گرای لبنان (Cook & Roshandel, 2009, p.106; Izadi & Akbari, 2010, p.38-39)؛ نگرانی از نقش و نفوذ ایران و سوریه در منطقه (Vakil, 2007, p.415)

نیات تهاجمی اتحاد ایران - سوریه از دید اسرائیل

شامل چنین مواردی است: تهدید ایران به نابودی اسرائیل و انکار هولوکاست (Bahgat, 2007, p.13)؛ توسعه قابلیت‌های موشکی ایران (Medizadeh & Saeedzadeh, 2009, p.68)؛ توسعه برنامه هسته‌ای ایران (Naji, 2008, p.145)؛ کارشکنی و مخالفت ایران با مذاکرات صلح خاورمیانه؛ تداوم اتحاد ایران - سوریه؛ تشکیل ائتلاف ضد اسرائیلی ایران - سوریه - حزب‌الله - حماس (Rubin, 2007, p.236).

نیات تهاجمی اتحاد ایران - سوریه از دید ترکیه

دربرگیرنده چنین مواردی است: برنامه هسته‌ای ایران؛ توان موشکی ایران (Talbot, 2013, p.3)؛ افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران (Ehteshami, 2007, p.47)؛ هم‌پیمانی سوریه با ایران (Tur, 2010, p.170).

نیات تهاجمی اتحاد ایران - سوریه از دید اعراب در منطقه

دربرگیرنده چنین مواردی است: برنامه هسته‌ای ایران؛ سیاست و دیپلماسی تهاجمی ایران؛ افزایش نفوذ ایران در منطقه (Guzansky, 2010, p.3)؛ هلال شیعی¹ (Zweiri, 2008, p.120)؛ گسترش تشیع در جهان عرب (Sindawi, 2007, p.27)؛ بیداری سیاسی شیعیان جهان عرب (Furting, 2007, p.369)؛ اتحاد سوریه با ایران و افزایش نفوذ اتحاد ایران - سوریه در منطقه (Kaye & Lorber, 2012, p.58).

راهبرد امریکا و متحدانش در منطقه در مقابل اتحاد ایران - سوریه 2011-2001**برنامه هسته‌ای ایران و راهبرد امریکا و متحدانش: موازنه**

مناقشه هسته‌ای ایران در 14 آگوست 2002 به وجود آمد وقتی که دفتر شورای مقاومت ملی ایران (ترکیبی از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی) در واشنگتن دی سی اعلام کرد که ایران به‌طور مخفی، شماری از برنامه‌های هسته‌ای خود را از جمله ساخت کارخانه زیرزمینی غنی‌سازی اورانیوم در بیابانی نزدیک نطنز و کارخانه تولید آب‌سنگین در یک رودخانه نزدیک اراک دنبال می‌کند (Alexander & Hoeinig, 2008, p.119)

ریشه مخالفت ایالات متحده درباره برنامه هسته‌ای ایران صرفاً معلول الزامات رژیم کنترل تسلیحات نیست بلکه فراتر از آن متأثر از نقش خاصی است که ایران در عرصه نظام بین‌الملل ایفاء می‌کند. سران امریکا چه دمکرات و چه جمهوری خواه، جمهوری اسلامی ایران را دولتی می‌بینند که با سازوکارهای مختلف، نظم

¹ . Shia Crescent

منطقه‌ای مطلوب و مطابق با هژمونی امریکا را به چالش کشیده و منافع آن را مورد تهدید قرارداد است. در چنین شرایطی هسته‌ای شدن ایران برای امریکا غیرقابل تحمل است (Ghanbrloo, 2008, p.842). ایالات متحده و متحدانش در منطقه با برداشت تهدیدآمیز از برنامه هسته‌ای ایران و دستیابی احتمالی ایران به سلاح هسته‌ای و تأثیر آن در موازنه قدرت در منطقه با حداکثر توان از فشار سیاسی - دیپلماتیک، مالی - اقتصادی، نظامی - امنیتی گرفته تا استفاده از ظرفیت شورای امنیت سازمان ملل متحد و حتی حملات وسیع و بی سابقه سایبری و ترور دانشمندان هسته‌ای ایران درصدد بودند برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کنند و با تحمیل هزینه‌های سنگین به ایران، این کشور را به تغییر رفتار در این زمینه وادارند. با نگاهی به سیاست ایالات متحده امریکا و ائتلاف منطقه‌ای و جهانی که این کشور علیه برنامه هسته‌ای ایران شکل داد، هدف تهدیدآمیز معرفی کردن آن برای جهانیان سپس محدود کردن و در صورت توان نابود کردن برنامه هسته‌ای ایران بود که این راهبرد در قالب راهبرد موازنه استنفان والت می‌گنجد.

ترور رفیق حریری 2005 و راهبرد امریکا و متحدانش: موازنه

مخالفت شدید سوریه با حمله امریکا به عراق و اتهامات دولت امریکا به سوریه مبنی بر پناه دادن فراریان رژیم سابق عراق، حمایت از نیروهای شورشی ضد امریکایی در عراق، باعث شد که یکی از مهم‌ترین دستور کارهای دولت بوش پس از پیروزی سریع بر عراق در آوریل 2003، مقابله با دولت سوریه در لبنان (حیات خلوتش) به طور اخص و با محور ایران - سوریه - حزب الله به طور اعم باشد. با ترور حریری در 14 فوریه 2005 فشارهای امریکا علیه سوریه تشدید شد. امریکا تصمیم گرفت که از رویداد فوق نه تنها برای مجبور کردن نیروهای سوری برای خروج از لبنان استفاده کند بلکه جایگاه استراتژیک سوریه نیز تضعیف کند. سرانجام زیر فشارهای گسترده داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پس از ترور حریری به رهبری امریکا، سوریه در آوریل 2005 با خروج نیروهایش از لبنان به قطعنامه 1559 تن داد. (Tigrak, 2012, p.110) ولی امریکا همچنان مصمم بود که درخواست‌های مطروحه در قطعنامه 1595 (پرونده ترور حریری) شورای امنیت را با جدیت دنبال کند و در این زمینه با بهانه‌های متعدد موجبات صدور قطعنامه‌های پی‌درپی شورای امنیت از جمله درباره ناکافی بودن همکاری سوریه با تیم تحقیق بین‌المللی درباره ترور حریری (قطعنامه 1636)، تعیین مرز مشترک سوریه - لبنان، برقراری روابط دیپلماتیک بین سوریه و لبنان (قطعنامه 1680) و یا تشکیل دادگاه بین‌المللی قتل حریری (قطعنامه 1757). علیه سوریه را فراهم کرد. (Ziadeh, 2011, pp.111-112) همچنین نقش کشورهای عربی؛ عربستان، اردن، مصر و دولت

لبنان در همسویی و همراهی با ایالات متحده در تحت فشار قرار دادن سوریه و متحدش حزب‌الله در پرونده ترور حریری بارز بود. (Gambill, 2010, p.32)

ایالات متحده و متحدانش با استفاده از پرونده ترور حریری در شورای امنیت برای مقابله با تهدید سوریه به طور اخص و اتحاد ایران/ سوریه/ حزب‌الله به طور اعم استفاده کردند. هرچند در اوایل با موفقیت روبرو شدند ولی رویدادهای 2006 تا 2008 لبنان سیاست موازنه آمریکا را تضعیف و باروی کار آمدن اواما رئیس‌جمهور جدید آمریکا در سال 2009 شیوه موازنه آمریکا با سوریه و اتحاد ایران - سوریه تغییر کرد که در بخش سیاست جدایی سوریه از ایران به آن خواهیم پرداخت.

طرح هلال شیعی و راهبرد آمریکا و متحدانش: موازنه

به طور کلی می‌توان گفت هرچند این مثلث سنی عرب (عربستان، مصر و اردن) بود که ایجاد هلال شیعی را به منظور توصیف خود از تهدید روی کار آمدن حکومت شیعی در عراق وارد گفتمان منطقه‌ای کرد ولی پس از آن، این ایالات متحده بود که با آگاهی از کارایی این ابزار و با بهره‌گیری از نگرانی حکام محافظه کار سنی عرب و تحریک گروه‌های سلفی و تکفیری از بازایی هویت مذهبی شیعیان در منطقه، (Cole, 2006, pp.23-24; Norton, 2007, pp.438-439) و همچنین با دامن زدن به جو شیعه‌هراسی اجتماعی بی‌سابقه از بازیگران دولتی متحد خود (اسرائیل، ترکیه، مصر، عربستان، اردن، امارات متحده عربی، کویت، قطر، بحرین) و بازیگران غیردولتی (گروه‌های سلفی - جهادی) که هدفی مشترک با ایالات متحده داشتند علیه محور شیعی ایران - سوریه - حزب‌الله ایجاد کرد تا بتواند با افزایش نفوذ محور ایران - سوریه - حزب‌الله در منطقه مقابله کند.

اقدامات ضد شیعی بازیگران فوق به رهبری آمریکا در سال‌های 2005 تا 2011 باهدف مقابله با تهدید افزایش نفوذ اتحاد ایران - سوریه در منطقه استراتژی واحدی را در ذهن تداعی می‌کرد هرچند به طور رسمی آن را اعلام نکرده باشند و آن موازنه بر ضد اتحاد فوق بود.

فروش تسلیحات و راهبرد آمریکا و متحدانش: موازنه

یکی دیگر از شیوه‌های مقابله ایالات متحده در سال‌های 2001-2011 به منظور مقابله با تهدید اتحاد ایران - سوریه، فروش گسترده تسلیحات به متحدان خود در منطقه خاورمیانه بود. ایالات متحده در سال‌های 2003 به بعد با ایجاد ایران‌هراسی حول محورهای همچون؛ برنامه هسته‌ای و توانمندی‌های موشکی ایران و شیعه‌هراسی حول محور خطر تشکیل یک بلوک شیعی به رهبری ایران در منطقه، زمینه و بستر مناسب

برای فروش عظیم تسلیحات را به کشورهای منطقه فراهم کرد. با نگاهی به کمیت و کیفیت سلاح‌های فروخته شده آمریکایی به این کشورها می‌توان دریافت که ایالات متحده در صدد برهم زدن موازنه نظامی به نفع متحدان خود و تشویق و تشجیع آن‌ها در همراهی با سیاست‌های ضد ایرانی خود به طور اخص و محور ایران - سوریه - حزب‌الله به طور اعم بود. فروش هواپیماهای جنگنده پیشرفته F16، F15C/D و F18 به مصر، اردن و کشورهای کوچک خلیج فارس و همچنین تحویل هواپیماهای جنگی بسیار پیشرفته به اسرائیل مانند F15I، F16I و F15A/B نشان‌دهنده عزم واشینگتن به منظور برتری قاطع هوایی بر ایران و سوریه بود. (Cordesman & Nerguizan, June 29, 2010, p.33; Cordesman et al, October 10, 2012, p.43)

افزون بر ایجاد سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه، دولت اوپاما تلاش کرد با فروش سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته به کشورهای عربی خلیج فارس توان دفاعی موشکی نیروهای آمریکایی مستقر در خلیج فارس متحدین خود را در مقابل ایران تقویت نماید. با بررسی دقیق سپر دفاع موشکی ایالات متحده در پیرامون ایران، می‌توان دریافت که این سامانه کاملاً تهاجمی است و در صدد است که، در صورت حمله احتمالی امریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران و همراهی متحدان امریکا در حاشیه خلیج فارس با آن، توانایی تلافی جویی ایران به طور کلی از بین برده شود. (Ghorbani, 2012, p.16-17)

سیاست جدایی سوریه از ایران و راهبرد امریکا و متحدانش: موازنه

با افزایش نفوذ ایران در عراق، فلسطین و شکست اسرائیل در جنگ با حزب‌الله در سال 2006، مقامات دولت بوش به این باور رساند که برای فروپاشی اتحاد ایران - سوریه و محور ایران - سوریه - حزب‌الله می‌بایست سوریه از ایران جدا شود (Cook: 2008, p.67) زیرا سوریه حلقه اتصال ایران با حزب‌الله و گروه‌های اسلام‌گرای فلسطینی است و اگر این حلقه شکسته شود، قدرت نقش‌آفرینی ایران در منطقه کاهش پیدا می‌کند و تبعات آن، اصلاح وضعیت امنیتی به نفع امریکا و متحدانش در منطقه بود از دید امریکا، اتحاد تهران با دمشق مزایای بسیار زیادی برای ایران دارد. انزوای ایران در منطقه می‌کاهد، مجرای برای پشتیبانی از حزب‌الله فراهم می‌کند و از این که ایالات متحده موقعیت خود را به عنوان قدرت اول منطقه تحکیم نماید جلوگیری می‌کند. (Abbasi & Mohammadi, 2013, pp.88-89)

دولت اوپاما که انتظار داشت با دادن برخی مشوق‌ها از سوی خود و متحدان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ایش که هریک در هماهنگی با واشنگتن هویج‌های کوچک و بزرگی را به دمشق برای دور شدن از ایران ارائه کردند، تا این کشور از ایران فاصله بگیرد، پس از مشاهده ادامه سیاست گذشته سوریه در پای بندی به

محور ایران - سوریه - حزب‌الله و موافقت سوریه با انتقال سلاح و تسلیحات به حزب‌الله در سال 2010، لحن و رفتار خود نسبت به دمشق تغییر داد و به سیاست پیشین خود که انزوای بین‌المللی سوریه بود، بازگشت (Kerutz, 2010, p.17)

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، نویسنده سعی کرد به دو سؤال پاسخ دهد که در آثار دیگر به آن‌ها پرداخته نشده بود. اول: علت اصلی کنش و واکنش دو اردوگاه متخاصم در خاورمیانه از یازده سپتامبر تا بهار عربی چه بوده است؟ دوم: دو اردوگاه، چه راهبردهایی در مقابل هم اتخاذ کردند؟ با استفاده از نظریه موازنه تهدید استفان والت، به پرسش‌های فوق پاسخ داده شد. نخست: علت اصلی کنش و واکنش دو اردوگاه سیاسی - نظامی؛ ایران/سوریه و آمریکا و متحدانش در بازه زمانی 2001-2011 (با توجه به چهار مؤلفه نظریه موازنه تهدید: انباشت قدرت، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات تهاجمی) برداشت تهدید متقابل طرفین نسبت به هم بوده است. دوم: راهبرد ایران - سوریه در مقابل آمریکا و متحدانش در منطقه در سال‌های 2001-2011 جز در یک مورد و آن هم حمله آمریکا به افغانستان در سال 2001 (و بیم از اقدامات تنبیهی شدید آمریکا متعاقب حوادث یازده سپتامبر علیه ایران و سوریه) سیاست دنباله روی بوده، که از سوی دو کشور فوق با اکراه اتخاذ شد. ولی در بقیه موارد همچون؛ جنگ عراق 2003، جنگ لبنان 2006 و جنگ غزه 2008-2009 ایران و سوریه با استفاده از هم‌افزایی و ترکیب توانمندی‌هایشان و همچنین بهره‌گیری از توان بازیگران غیر دولتی متحد خود در عراق، لبنان و فلسطین اشغالی در مقابل آمریکا و متحدانش در منطقه راهبرد موازنه اتخاذ کردند و توانستند از تبدیل خاورمیانه به حیات خلوت آمریکا (خاورمیانه جدید) ممانعت به عمل آورند؛ اما راهبرد آمریکا و متحدانش در منطقه در مقابل اتحاد ایران - سوریه در همه موارد همچون؛ برنامه هسته‌ای ایران، پرونده ترور حریری، هلال شیعی، فروش تسلیحات و جدایی سوریه از ایران در سال‌های 2001-2011 با بهره‌گیری از ترکیب و هم‌افزایی منابع خود و متحدانش، حتی استفاده از توان گروه‌های تروریستی در عراق و لبنان حفظ موازنه بوده است. هر چند با نگاه ژرف به اقدامات آمریکا و متحدانش در منطقه می‌توان گفت این کشور تحت لوای حفظ موازنه به دنبال تغییر موازنه بوده است ولی اقدامات و راهبرد موازنه تهدید اردوگاه ایران مانع از برتری بلامنازع آمریکا در خاورمیانه در سال‌های 2003 تا 2011 بوده است، و این کشور را ناگزیر از تغییر موازنه، بازداشته است. این وضعیت شکننده و سیال تا سال 2011 بین دو اردوگاه پابرجا بود. با شروع موج گسترده ناآرامی‌های سیاسی در جهان عرب موسوم به بهار عربی در اواخر سال 2010 و تأثیر

دومینو وار آن از شمال آفریقا تا آسیای غربی، سوریه عضو مهم اردوگاه ایران را نیز درگیر ساخت که ناآرامی‌های سوریه در ابتدا به شکل اعتراضات مسالمت‌آمیز و سپس با مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به منظور تغییر موازنه در منطقه شکل جنگ داخلی به خود گرفت. این کشمکش، ستیز و موازنه بین دو اردوگاه ایران - سوریه و امریکا و متحدانش که قبلاً بعد منطقه‌ای داشت، از سال 2011 تاکنون با ورود بازیگران جدید به جنگ داخلی سوریه و جنگ یمن وارد مرحله جدیدی شد و ابعاد فرامنطقه‌ای به خود گرفته است.

References

- Abbasi, M., & Mohammadi, V. (2013). Realistic explanation of the international power struggle in Syria and its consequences for the security of the Islamic Republic of Iran, *Iranian Research Letter of International Politics*, 1(2), 70-93. (in Persian).
- Alexander, Y., & Hoening, M. (2008). *The New Iranian Leadership: Ahmadinejad, Terrorism, Nuclear Ambition, and The Middle East*, United States: Praeger Security International.
- Bahgat, G. (2007). "Iran and the United States: The Emerging Security Paradigm in the Middle East", *Parameters*, 37(2), 5-18.
- Barnea, N. (Nov/Dec 2006). Israel vs. Hezbollah, *Foreign Policy*, (157), 22-28.
- Barzeger, K. (2010). Roles at Odds: The Roots of Increased Iran-U.S. Tension in the Post -9/11 Middle East, *IRANIAN REVIEW of Foreign Affairs*, 1(3), 85-114
- Berger, L. (2009). Iran and the Arab World: A View from Riyadh, *Middle East of International Affairs*, 13(3), 24-33
- Clawson, P. (February 2012). Post-Asad Syria: Opportunity or Quagmire? *Strategic Forum*, (276), 1-12.
- CIA. (2011). The World Factbook at: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2244rank>
- Cole, J. (2006). A "Shia Crescent"? The Regional Impact of the Iraq War, *Current History*, 105(687), 20-26
- Cook, A. H., & Roshandel, J. (2009). *The United States and Iran, Policy Challenges and Opportunities*, New York: Palgrave Macmillan,
- Cook, J. (2008). *Israel and the Clash of Civilizations*, London: Pluto Press,
- Cordesman, A. H. (February 2, 2009). THE "GAZA WAR": A Strategic Analysis, *CSIS (Central for Strategic & International Studies)*, 1- 92.
- Cordesman, A. H., & Nerguizian, A. (April 22, 2010). The Gulf Military Balance in 2010, *CSIS (Central for Strategic & International Studies)*, 1-55.
- Cordesman, A. H., Nerguizian, A. (June 29, 2010). The Arab - Israeli Military Balance, *CSIS Central for Strategic & International Studies)*, 1-55.

- Cotf. (2019). Middle East Polical Map, at: <http://www.cotf.edu/earthinfo/images/meast/MEpol.gif>
- Eghtesadeiranonline. (2013). World's Largest Economies + Ranked Iran, May 19, 2013, News Code: 170472. May 19, (in Persian) at: <http://eghtesadeiranonline.com/vdciyuazrtlay52.cbct.html>
- Ehteshami, A. (2007). Iran Politics and Regional Relation: Post –Detent, *Perception*, 12(1), 29-44
- Entessar, N. (2004). Iran's Security Challenges, *The Muslim World*, 94(4), 537-554.
- Furting, H. (2007). Conflict and Cooperation in the Persian Gulf: The Interregional Order and US Policy, *The Middle East Journal*, 61(4), 627-640.
- Gambill, G. C. (2010). Syria's Triumph in Lebanon: Au Revoir, Les Ententes, *MERIA*, 14(4), 26-46.
- Gelbart, J. (2010). The Iran- Syria Axis: A Critical Investigation, *Stanford Journal of International Relations*, 14(1), 36-42.
- Ghanbrloo, A. (2008). America and the Iranian Nuclear Crisis, *Strategic Studies*, 11(4), 827-852. (in Persian)
- Ghasemi, F., & Einollahi Maasoum, B. (2016) The Role and Function of Anti-Systemic Groups in the Order Control System of Western Asia Region (Balance of Power, Deterrence, and Compellence) *Iranian Research Letter of International Politics*, 4(2), 146-119. (in Persian)
- Ghorbani, M. (2012). Deployment of US missile defense shield in the Persian Gulf and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran, *Journal of Defense Strategy*, 10(38), 1-30. (in Persian)
- Goodarzi, J. M. (2013). Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Regional Environment, *Ortadogu Etuleri*, 4(2), 31 – 54.
- Guzansky, Y. (2010). The Arab Gulf States and the Iranian Nuclear Challenge: in the Line of Fire, *MERIA*, 14(4), 1-10
- HajiYousefi, A. M. (2004). Post-Cold War Iran's Regional Security Threats: Implications and Responses, *Foreign Policy*, 18(3), 661-649. (in Persian)
- Hajiyoesfi, A. M. (2007). The Shia Factor in Iran- Iraq Relations and Its Regional Implications, *The Iranian Journal of International Affairs*, 19(1), 33-41
- Haugbolle, S. (2006). The Alliance Between Iran, Syria and Hizbollah and Its Implications for The Political Development in Lebanon and Middle East, (*DIIS*) *Danish Institute for International Studies*, (10), 1-37.
- Hinnebusch, R. (2009). Syrian Foreign Policy under Bashar Al-Asad, *Ortadogu Etuleri*, 1(1), 7-26.
- Hunter, S. T. (2010). *Iran's Foreign Policy in The Post-Soviet Era*, U.S.A: Prager.

- Iranintelligence. (2011). "Get the Facts", at: <http://www.iranintelligence.Com/milbalance.html>
- Izadi, J., & Akbari, H.R. (2010). Estimation of the Third Decade of Strategic Relations between the Islamic Republic of Iran and Syria; Break or More Convergence, *Guidelines for Political, Defense and Security Policy Making*, 1(2), 27-61 (in Persian)
- Karmon, E. (2008). Iran–Syria–Hizballah–Hammas: A Coalition Against Nature Why Does it Work? *The Proteus Monograph Series*, 1(5), 1-137.
- Kaye, D.D & Lorber, E., (2012), Containing Iran: What Does It Mean? *Middle East Policy*, 19(1), 51-63.
- Khan, S. (2010). *Iran and Nuclear Weapons: Protacted Conflict and Proliferation*, USA & Canada: Routledge.
- Kreutz, A. (November 2010). Syria: Russia 's Best Asset in the Middle East, ifri Russia/NIS Center, (55), 1-23, in: <https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/kreuzengrussiasyrianov2010.pdf>
- Leverett, F. (2005). *Inheriting Syria Bashar's Trial by Fire*, Washington, D.C: Brookings Institution Press
- The Military Balance*. (2010). IISS (The International Institute for Strategic Studies)
- The Military Balance*. (2012). IISS (The International Institute for Strategic Studies)
- Masoudnia, H., & Najafi, D. (2012). New Turkish Foreign Policy and Security Threats to the Islamic Republic of Iran, *Afaq Security Journal*, 4(13), 137-162 (in Persian)
- Mehdizadeh, A., & Saeedzadeh, D. (2009). Iran - Israel: An Unequal Balance, *Regional Studies: Israeli- American Studies*, 11(1), 67-89, (in Persian)
- Mohmmaspour, Ali., & etal. (2016). Understanding the Spatial Distribution of US Military Bases in the Middle East Using Arc GIS Hot Spot Analysis Tool, *Military management*, 15(59), 59-86. (in Persian)
- Monshipouri, M. (2004). US Policy toward Iran in Post–war Iraq: Antagonism or Engagement? *The Muslim World*, 94(4), 565-586
- Naji, K. (2008). *Ahmadinejad: The Secret History of Iran's Radical Leader*, University of California Press.
- OPEC. (2011). Anuual Statistical Bulletion at: [https://www.opec.org/library/Anuual Statistical Bulletion / interactive /current / File Z/XL/T32.HTM](https://www.opec.org/library/Anuual%20Statistical%20Bulletion%20-%20interactive%20-%20current%20-%20File%20Z/XL/T32.HTM).
- Riedel, B. (2010). "The Middle East After Iran Gets the Bomb", *Current History*, 109(731), 370-375.
- Rouhi, M. (2009). US foreign policy towards Syria after 9/11, *Middle East Studies*, 16(1), 55-58, (in Persian)
- Rubin, B. (2007). *The Truth about Syria*, New York, Palgrave Macmillan.

- Salem, P. (April 2011). Hezbollah Strengths, Vulnerabilities and Perspectives, 29-35, in: Hansen Birthe and Bertel Heurlin (eds) *Lebanon: Strategic and Military Dimensions*, Copenhagen: Royal Danish Defense College.
- Sindawi, K. (2007). The Shiite Turn in Syria, *Current Trends in Islamist Ideology*, 8, 82-107
- SIPRI Yearbook. (2010). "US nuclear forces", at: <http://www.sipriyearbook.org/view/9780199581122/sipri-9780199581122-div1-71.xml>
- SIPRI Yearbook. (2011). "Israeli nuclear forces", at: <http://www.Sipriyearbook.org/view/9780199695522/sipri-9780199695522-div1-82.xml>
- Spector, L. S., & Cohen, A. (2008). Israel's Airstrike on Syria's Reactor: Implications for the Nonproliferation Regime, *Arms Control Today*, 38(6), 15-21.
- Talbot, V. (December 2013). Turkey and Iran: Resetting Relations? Analysis ISPI, (224), 1-7
- Tigrak, F. (2012). "Conflict and Cooperation Syria- United States Relations Through 1970-2011", MSc. A Thesis in Social Science, The Department of Middle East Studies, Middle East Technical University from <https://etd.lib.metu.tr/upload/12615132/Index.pdf> (website).
- Trombetta, L. (2007). Syria and Iran in a Middle East in Transition, pp. 313-322 in: Korinman, Michal & Laughland, J (eds) *Shia Power: Next Target Iran?* London: Vallentine Mitchell Academic.
- Tur, O. (May 2010). Turkish-Syrian Relation—Where We Going? *UNISCI Discussion Papers*, (23), 163- 175.
- Vakil, S. (2007). Tehran Gambles to Survival, *Current History*, 106(704), P: 414-420.
- Wallsh, D. (2013). Syrian Alliance Strategy Interest Post-Cold War Era: The Impact of Unipolarity, *The Fletcher Forum of World Affairs*, 37(2), 107 - 123.
- Walt, S. M. (1985). Alliance Formation and Balance of World Power, *International Security*, 9(4), 3-43
- Walt, S. (1987). *The Origins of Alliances*, Ithaca: Cornell University Press.
- Walt, S. M. (2009). Alliances in a Unipolar World, *World Politics*, 61(1), 86-120.
- Wehrey, F. (2011). Uprising Jolt the Saudi-Iranian Rivalry, *Current History*, 110(740), 352-357
- Wilner, A. (October 27, 2011). Iran and The Gulf Military Balance, *CSIS*, 1-136
- Wilner, A., & Cordesman, A. H. (December 1, 2011). Iran and Gulf Military Balance, *CSIS* (Central for Strategic & International Studies), 1-176
- Yazdanfam, M. (2005). US Defense Strategy After 9/11, *Strategic Studies*, 8(2), 377-398. (in Persian)
- Ziadeh, R. (2011). *Power and Policy in Syria*, International Services, foreign Relations and Democracy in the Modern Middle East, London: I.B.Tauris & Co Ltd,

Zweiri, M. (2008). Arab- Iranian Relations: New Realities, 115-129, in Ehteshami, A., Zweiri, M (eds) *Iran's Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad*, London: Ithaca Press.